

علیرضاییگی، نماینده مجلس در گفت‌وگو با «شرق»:

باید از حقوق بازداشت‌شدگان صیانت شود

به درخواستمان درباره بازدید از زندان‌ها و بازداشتگاه‌های اعتراضات اخیر جوابی داده نمی‌شود

امطمین خاطری داده شود که از جهت نظارتی، مجلس به تکلیفش عمل کرده و عمل می‌کند.

● **حفظ سلامت و امنیت زندانیان یا سازمان زندان‌هاست**، آیا در این مورد کاستی‌هایی وجود دارد، نظر شما دراین‌باره چیست؟
باید مسئولان اجرایی دراین‌باره پاسخ دهند، اما از بعد نظارتی مجلس دراین‌باره هنوز گزارشی دریافت نکرده که موضوع چه بوده است. ما هم دل‌نگرانیم، درست است که اعتراضات صورت گرفته و افرادی دستگیر شده‌اند و حتما باید به جرائم آنها رسیدگی شود، اما حتما آنها هم حق و حقوقی دارند که باید به این حقوق احترام گذاشته شود و از این حقوق صیانت شود و این وظیفه مجلس است.
به جهت سوابقی هم که درخصوص زندان‌ها وجود دارد، حتما این نظارت مجلس مورد تأکید است و مردم و خانواده‌های بازداشتی‌ها نگرانی‌های حقّی



● عکس:کاظم رحیمی/پژیران

سرگیجه دوستی، گرداب دشمنی

درباره «ما» که وجود نداریم

احتمالاً آخرین چیزی که در میانه بلوا اهمیت دارد، صحبت‌هایی از جنس همین چیزهایی است که من دارم سعی می‌کنم بنویسم. در میانه بلوا، عموماً با تقسیم‌بندی رادیکال‌شده «آدم‌ها، حول محور دعای حقیقتی سروکار داریم که «گفت‌وگو را بی‌فایده می‌دانند» و می‌خواهند مشکل خودشان را در خیابان حل کنند. طرفین بلوا «سکوت» یا «بی‌طرفی» را نمی‌پسندند. از نظر آنها، ساکاتان بلوا یا آنهایی که بی‌طرف هستند، در زمره سیاهه نیروی دشمنان‌شان به حساب می‌آیند. اما هنوز چیزی نابخشودنی‌تر از «سکوت» یا «بی‌طرفی» برای آنها وجود دارد. من، در طول بلوا و به‌ویژه در این نوشته بنا دارم در همین‌جا، یعنی در جایگاه نفرین‌شده کسانی که می‌خواهند «در بالای بلوا» قرار بگیرند، بایستم. سعی می‌کنم در فرصت اندک مانهایمی

کوتاهی که به دست آورده‌ام، از جایی در بالا یا بیرون از بلوا به مسائلی که فکر می‌کنم برای فهمیدن آنچه در خیابان در حال رخ‌دادن است نیاز داریم، بپردازم. آن سکوی کوتاه و لرزانی که برای فرارگرفتن در بالا یا بیرون از بلوا از آن استفاده می‌کنم چیزی نیست جز برابرنهاد دوست-دشمن. به عنوان بن‌مایه اصلی سیاست در یک چشم‌انداز دولت‌پایه از هستی‌شناسی سیاسی. از پیش می‌دانم که ممکن است بعضی علاقه داشته باشند این مسئله را تکرار کنند که برابرنهاد دوست-دشمن، چه در روایت اشمیتی و چه در نسخه تعدیل‌شده آن در رویکرد شانتال موف، برای مطالعه درباره ایران مناسب نیست. می‌دانم که برخی معتقد هستند ما هنوز فاقد چیزی به نام دولت ملی، آن‌طور که در تاریخ غرب اتفاق افتاده، هستیم و از این جهت این دسته از مفاهیم را برای مطالعه درباره ایران نادرست می‌دانند و بعضی هم هستند که احساس می‌کنند استفاده از این چشم‌اندازهای هستی‌شناسانه در سیاست ممکن است هر مطالعه‌ای را به آفت دولت‌گرایی رادیکالی که نافی اهمیت مردم و کارگزاری آنها در سیاست است، دچار کرده و روایتی تک‌بعدی از موضوع مورد مطالعه را فراهم آورد. با وجود این، ما در یک وضعیت مدرن، ناگزیر با اشکال متنوعی از تحقق ایده دولت مدرن، به‌عنوان قدرت متمرکز مشروع مداخله‌گر در حوزه‌های خصوصی و عمومی برای تولید شهروند از رعیت سروکار داریم و نمی‌توانیم بگوییم که در این وضعیت مدرن، نوعی نظام سیاسی غیرمدرن ممکن است وجود داشته باشد؛ هرچند این شکل خاص از ظهور دولت مدرن ممکن است تاریخ، مبانی و نهادهای ویژه خودش را داشته و در صورت، با خواهران و برادران غربی خود متفاوت باشد.



حمید ملک‌زاده*

ما، دوستان، در مقابل آنها، دشمنان: یک ملاحظه مختصر

در هستی‌شناسی‌های دولت‌پایه، عموماً دولت یک هستی بالای جامعه و مناسبات حاکم بر آن است. این هستی، اصالت‌بنیادین دارد و به لحاظ سیاسی هر چیز بی‌هرکس، یعنی هر هستنده دیگری، به اعتبار نسبتی که با آن برقرار می‌کند، از معنا برخوردار می‌شود: دولت نه یک نام، بلکه مرجع نامیدن است. در این دسته از هستی‌شناسی‌ها عموماً سیاست رابطه میان هستی‌های برابر با هم است و هر رابطه با نسبتی در زندگی سیاسی عرض بر رابطه این هستی‌های اصلیل به حساب می‌آید. در این معنا سیاست چیزی جز کار دولت نیست. از این قرار هستی‌شناسی‌های دولت‌پایه از سازوکار نام‌گذاری ما در مقابل آنها نیرو می‌گیرند.

به بیان روشن‌تر در اینجا حدود دولت، چیزی نیست جز حدود ما در مقابل دیگران یا آنها که شامل هر هستنده بیرون از حدود دولت می‌شود. در این دسته از هستی‌شناسی‌ها به شکل بنیادینی با دوست‌دشمن در سیاست سروکار داریم. این‌طور به نظر می‌رسد که برای این هستی‌شناسی‌ها، جوهره امر سیاسی بر یک آنتاگونیسیم عینسی میان «ما» و «آنها»ی غیر از ما بنیان گذاشته شده است؛ آنتاگونیسمی که بر اساس آن، دولت تنها در جایی امکان وجودداشتن دارد که یک برابرنهادی انضمامی دوست‌دشمن وجود داشته باشد؛ جایی که عده‌ای از مردم ساکن در یک محدوده جغرافیایی،

دارند و از مجلسی‌ها انتظار دارند به این موضوع ورود کنند.
● **صدای انفجار هم از داخل شنیده شده و گفته می‌شود برخی روی مین رفته‌اند؛ آیا این موضوعات را پیگیری می‌کنید؟**
حتما این‌ کار را می‌کنیم. به همین دلیل اصرار داریم بازدید نمایندگان از زندان‌ها و خصوصاً بازداشتگاه‌های بازداشت‌شدگان وقایع اخیر صورت بگیرد. این محل نگرانی ما است که پس از دو هفته که این موضوع را در کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها تصویب کرده‌ایم و از دستگاه قضا خواسته‌ایم اما محقق نشده است.

● **آیا در این خصوص با مجلس همکاری نمی‌شود؟**
بالاخره به پیگیری و درخواست ما در این خصوص جواب داده نشده است. ما در جایگاه نمایندگی مردم باید بتوانیم به مسئولیتی که بر دوش ماست، پاسخ

این دسته از هستی‌شناسی‌ها، ما، امری داخلی و متشکل از تکنیکی‌های به رسمیت شناخته‌شده توسط یک قانون واحد است. قانونی که نه برای حذف تکثر، بلکه حفظ و تقویت امکان ظهور تکنیکی‌های جدید، در محدوده یک قانون مشترک، در یک واحد سرزمینی مشترک تنظیم شده است؛ واحد متکثر. این واحد متکثر، مستلزم تصور نوعی رابطه دوسویه میان جامعه و دولت است. هر بار یکی از طرفین این رابطه تعادلی را که مقسوم این تکثر است از میان ببرد، با ظهور یک‌جور وضع استثنایی روبه‌رو خواهیم شد؛ وضعیتی که در آن تمامیت یک واحد سیاسی به مخاطره می‌افتد.

ما و آنها؛ روایت یک بلوای خیابانی

اگر مقدمات نظری ذکرشده در بالا را در نظر بگیریم، می‌توانیم این‌طور ادعا کنیم که مشکل اساسی سیاست در ایران معاصر، به‌طورکلی و آنچه در چند روز اخیر در خیابان‌های ایران جریان دارد، ناشی از سردرگمی تاریخی ما درباره مسائل مربوط به الزامات ناشی از برابرنهاد دوست-دشمن به‌عنوان مبانی هستی‌شناختی دولت در جهان مدرن است. این سردرگمی هم در طرف جامعه و هم در طرف دولت، به یک اندازه، دردنشان سیاست در ایران معاصر، از سال‌های شکل‌گیری انقلاب مشروطه تا سال‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به حساب می‌آید. در حضور این سردرگمی، هر مطالبه‌ای به نوعی دشمنی میان مردم با حکومت تبدیل شده و تخاصم آنتاگونیسیتی دوست-دشمن را به امری داخلی تبدیل می‌کند. تحت تأثیر همین داخلی‌شدن تخاصم آنتاگونیسیتی، مطالبات مشخص سیاسی-اجتماعی، در کوتاه‌مدت به بحران‌های امنیتی تبدیل می‌شوند. در همین وضعیت است که دولت همواره اجزای تام و تمام قانون را به بهانه وضعیت استثنائی معلق کرده و به «کنترل» همه ساحت‌های اجتماعی می‌پردازد. در این وضع استثنائی و در شرایطی که نیروهای اجتماعی فاقد سازماندهی معنادار نیندیشیده در شیوه‌های زندگی و ارزش‌های فرهنگی هستند، یک‌جور یکپارچگی مصنوعی در سایه امتیازاتی که بعضاً همراهی با دولت برای بخشی از جامعه دارد، یا ترس از مواجهه با قوه قاهره دولت در بخشی از جامعه جریان پیدا کرده و در عرصه نحیف خصوصی افراد حاضر در جامعه به حیات خود ادامه می‌دهد. این «کثرت در حجاب» خود را در قالب موسیقی زیرزمینی، سینمای زیرزمینی، کتاب‌ها، ادبیات و انتشارات زیرزمینی و شکل‌های متنکثر از سراودات اجتماعی در غیاب دولت که ضرورتاً در حوزه خصوصی اتفاق نمی‌افتند، نشان می‌دهد. این در حجاب بودن کثرتی که از آن صحبت می‌کنیم برای دولت از یک منظر بنیادین خطرناک است، چراکه کثرتی است که نه در دولت، یعنی نه ذیل قوانینی که حیات آن را تضمین می‌کند، بلکه در «نه‌ها و نخواستن‌های» متکثر زندگی در حجاب اعضای جامعه به وحدت می‌رسد.

این وحدت سلبی، نیروی ویرانگر خشنی را درست در پیشگاه دولت و قوانینش ایجاد می‌کند که گاه، مانند نیروهای رهاننده در لایه‌های زمین، خودش را به صورت انفجارهای سهمگین اجتماعی در قالب شورش‌های اجتماعی کور، علیه تمامیت دولت نشان داده و خیابان را به عرصه آشوب داخلی تبدیل می‌کند. جدالی که در دو طرف آن گروه‌هایی متخاصم قرار می‌گیرند که هیچ‌کدام در بی پایان دادن به وضع استثنائی یا بازگرداندن قانون مستقر نیست، بلکه هرکدام صرفاً به دنبال حذف دیگری، در چشم‌اندازی مبهم از آینده‌ای است که به لحاظ سیاسی برای هر دو طرف مخاصمه به یک اندازه خطرناک است. آنچه این مشکلات ناشی از این سردرگمی را حل می‌کند، چیزی نیست جز تلاش طرفین تخاصم برای به‌رسمیت‌شناختن دیگری به‌عنوان یکی از طرفین اکونومیسی داخلی که به آنها اجازه می‌دهد دوستانه، دشمنی کنند. انجام‌دادن این‌ کار، بیش از هر چیز بر عهده دولت است. تنها یا مرتفع‌کردن این سردرگمی است که در مباحثات و مناظرات داخلی می‌توان امیدوار بود دست دشمن خارجی برای رادیکال‌کردن مطالبات دوستان از دوستان کوتاه شده و حاشیه امن مناسبی برای ناکام‌گذاشتن اراده خارجی‌ها، اعم از دولت‌های خارجی متخاصم و مخالفان سیاسی خارج‌نشین برای ما، در مقام یک واحد متکثر فراهم شود.

منابع:

- اشمیت، کارل (۱۳۹۲) مفهوم امر سیاسی، سهیل صفاری، چاپ اول. نشر نگاه معاصر: تهران.
- Barrett, Michèle(1991) Ideology, Politics, Hegemony: FromGramsci to Laclau and Mouffe, Michigan Quarterly Review 30, 1991, pp. 231-58.

♦ **دانش‌آموخته دکتری تخصصی علوم سیاسی دانشگاه تهران**



بدهیم. ممکن است این مطالبه‌گری ما مطلوب کسی نباشد و با شکایت‌های این‌چنین روبه‌رو شویم که مهم نیست، اما باید طبق تکالیف نمایندگی خود عمل کنیم و مردم هم باید اطمینان خاطر داشته باشند که نمایندگانشان برای استیفای حقوق آنها تلاش می‌کنند. اگر به این موضوع پاسخ داده نشود، حتما اسباب نگرانی بیشتر مردم را فراهم خواهد کرد.

ادامه از صفحه اول

این مدیریت طبیعی نیست

از مهم‌ترین ضعف‌های قانون فعلی عدم امکان نظارت بر سازمان زندان‌ها توسط نهادهای مستقل است. نظارت بر این سازمان بر عهده قوه قضائیه است که سازمان زندان‌ها خود جزئی از آن است و این بدان معناست که در بهترین سطح ممکن یک نظارت درون‌سازمانی و نه ملی بر سازمان زندان‌ها جریان دارد. مشکل هم اینجاست که چون قوه قضائیه ذی‌نفع مسائل زندان‌ها محسوب می‌شود، زمینه تضعیف نظارت پادشده به‌شدت وجود دارد و این وضع خود را در افت کیفیت و استاندارد اداره زندان‌ها نشان می‌دهد. اهمیت مسئله وقتی مضاعف می‌شود که متوجه باشیم یکی از مراجعی که محل ایراد و حملات حقوق‌پشوری خارجی نسبت به ایران است، همین سازمان زندان‌هاست و اتفاقات رخ‌داده در آن بارها زمینه ازبین‌رفتن سرمایه اجتماعی کشور و خدشه به حیثیت بین‌المللی ایران شده است. بنابراین در حوادث اخیر هم اگر روایت رسمی را تمام و کمال بپذیریم باز هم جای ایراد اساسی نسبت به سازمان زندان‌ها باقی است و ضرورت تجدیدنظر در شیوه مدیریت این بخش جدی به نظر می‌رسد. همان‌طور که ضرورت شفاف‌سازی این اتفاقات و افتاع افکار عمومی بسیار ضروری است و می‌تواند بخشی از اعتماد تخریب‌شده عمومی را ترمیم کند.

چراغ رابطه تاریک است!

نمی‌توان با عدم تعامل با جهان و فضای نامساعد کسب‌وکار و بی‌ثباتی‌های مؤلفه‌های اقتصاد کلان و سرکوب قیمت‌ها و فشارهای مالیاتی و تأمین اجتماعی و نقش آفرینی بنیادها و نهادها و بنگاه‌های خصولتی و فضای انحصاری غیررقابتی، انتظار توسعه و رشد اقتصادی و… داشت.

متأسفانه دهه‌هاست که اقتصاد کشورمان در چرخه‌ای گرفتار است؛ چرخه‌ای که از احساس ناامنی و کاهش سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه‌ها شروع شده و به کاهش رشد اقتصادی و اشتغال و درآمد خانوارها و فقر و بروز نارضایتی و اعتراض و… احساس ناامنی و کاهش سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه و… منجر شده است.

متأسفانه بیش از صد سال است که میهن‌مان در چرخه دولت و سیستم سیاسی و جامعه مدنی ضعیف گرفتار شده است؛ یا دولت نیست و اگر هم باشد ضعیف و ناتوان است یا دولت وجود دارد، اما از نوع دولت‌های فراگیر که امکان رشد و بالندگی را به سایر ساختارهای اجتماعی اعم از خانواده و نهادهای مدنی و آموزشی و اقتصادی نمی‌دهد («لویاتان غایب» به تعبیر عجم‌آوغلو و رابینسون در کتاب «راه باریک آزادی»).

برای دوام و بقای این سرزمین کهن و پیشرفت و توسعه آن باید از این چرخه خارج شد و چه شایسته که این خروج هرچه زودتر و با ایجاد اعتماد و اطمینان و حاصل یک انتخاب باشد.

ادامه از صفحه ۲

گفت‌وگو نیازمند سازوکاری با مبانی مشخص عقلانی است

محسنی‌آزهای افزود: در یک گفت‌وگو گاهی در باب مفاهیم و مصادیق و تفه‌می در باب اهم و مهم اختلاف‌نظر وجود دارد. این اعتقاد را نداریم که کار ما بدون نقد است و مدعی به نقطه مطلوب رسیدن نیز نیستیم؛ لذا از همه صاحب‌نظران که دارای ایده هستند برای گفت‌وگو و مفاهمه و ارائه نقطه‌نظرات و پیشنهادات در باب مسائل و مسئولیت‌های قوه قضائیه دعوت به عمل می‌آوریم. ما از این مهم استقبال می‌کنیم که یک فرد صاحب‌نظر در حوزه مبارزه با فساد، روش‌ها و راهکارهای کارشناسانه مدنظر خود را برای هرچه مطلوب‌تر شدن مقوله مبارزه با فساد بیان و ارائه کند. ما از این مهم که نخبگان حوزوی و دانشگاهی در باب تعارف و مصادیق آزادی‌های مشروع، نقطه‌نظرات خود را ارائه دهند، استقبال می‌کنیم. رئیس قوه قضائیه در همین راستا ضمن بیان اینکه همه مسئولان ارشد دستگاه قضائی آمادگی گفت‌وگو با گروه‌ها و جریان‌های معترض و منتقد را دارند، به تماس‌ها و پیام‌های عده‌ای از اشخاص که خود را منتسب به جریان‌ها و گروه‌های مختلف می‌دانستند و متقاضی گفت‌وگو با وی بودند اشاره کرد و گفت: طبیعتاً من امکان و وقت ملاقات و گفت‌وگو با تکت‌تک متقاضیان و صاحبان ایده را ندارم؛ البته طی روزهای گذشته با افراد، نخبگان و گروه‌های مختلف گفت‌وگو شده است و به‌طور مثال در روز پنجشنبه گذشته نیز با چهار نفر از افسراد متقاضی به نمایندگی از چهار جریان سیاسی – اقتصادی گفت‌وگو کردم که با توجه به محتوای پیام‌های‌شان به نظر ایده مطلوبی داشتند و نقطه‌نظرات‌شان در باب محورهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بود و مقرر شد طرح‌ها و ایده‌های خود را ارائه دهند.

رئیس قوه قضائیه بیان کرد: اعلام آمادگی و پیشنهاد ما برای گفت‌وگو با گروه‌ها و جریان‌های معترض و منتقد طبیعتاً مرتبط با مسائل و مسئولیت‌های قوه قضائیه است؛ با این حال ما از انجام گفت‌وگو میان بخش‌های مختلف حکومت با افراد منتقد و معترض نیز استقبال می‌کنیم.